

حفظ ایران یا پیشرفت



سیدمصطفی هاشمی طبا

در زمان نامزدی این جانب در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۹۶ یعنی هشت سال قبل طرحی از سوی ستاد منتشر شد که در داخل نقشه ایران، عبارت «حفظ ایران» نوشته شده بود. در آن زمان در کنار مشاخره سایر نامزدها برای ملکوک‌کردن رقبا به عرض ملت ایران رساندم که ایران نیاز به حفاظت دارد و با این روند ایران از دست می‌رود و وظیفه همه را با خواندن شعری از یمینی‌شریف که در کتاب‌های درسی گذشته چاپ شده و مطلع آن «ما گل‌های خندانیم، فرزندان ایرانیم» بود، روشن کردم. البته برخی این شعرخوانی را نقد کردند و می‌گفتند در مراسم مناظره نامزدها چه جای خواندن شعر است،آن‌هم کودکانه و مردم هم به همان‌ها که یکدیگر را ملکوک می‌کردند، رأی دادند و سهم حقیر از آرای مردم ناچیز بود. این را گفتم که مردم از وضع فعلی کله نکنند. آنان به حفظ ایران رأی ندادند و مسئولان هم ظاهراً اعتقادی به حفظ ایران نداشته و نیز برای این مهم فاقد اندیشه و کاردانی بوده‌اند. از آن تاریخ یعنی از سال ۱۳۹۶ تا امروز که ۱۴۰۴ است، هشت سال می‌گذرد، یعنی زمانی که یک نوزاد می‌تواند رشد کند و سال دوم دبستان را تمام کرده و خواندن و نوشتن را آموخته باشد. در این هشت‌ساله چه کرده‌ایم؟ مسئولان نگویند که کسی به ما نگفت، زیرا هر روز و هر هفته دلسوزان کشور همه مطالب را گفته‌اند. مسئولان نگویند راحل نداشتیم. این که دروغ است؛ راحل‌های بسیاری گفته شده اما گوش‌ها بسته بوده و همچنان مسدود است. گفتم که مردم از وضع فعلی کله نکنند زیرا به افرادی رأی دادند که هیچ برنامه مشخصی برای آینده ایران ارائه نداده‌اند و افرادی بودند که کلام و سخ‌شان فقط برای از میدان به‌درکردن حریف بود. البته مردم هم بی‌تقصیرند زیرا روش زندگی و مقررات را باید مسئولان تدوین کنند و اگر در طول هشت سال گذشته به سخنان مسئولان توجه کنیم، کمتر کلمه حفظ ایران دیده می‌شود. یعنی مسئولان در جای دیگری سیر می‌کرده‌اند و زمین زیر پای‌شان را به فراموشی سپرده بودند و فراموشی همچنان پایدار است. این فراموشی همچنان ادامه دارد و گویا دولت که به‌سرعت تحلیل می‌رود، اعتمادبه‌نفس خود را از دست داده است. اگر دولت به تاریخ و دولت‌زمان دفاع مقدس بازگردد و اعتمادبه‌نفسی را که در آن دولت بود و در کوران دفاع مقدس و عدم صدور نفت و کمبودهای مالی قرار داشت به یاد بیاورد، می‌تواند اعتمادبه‌نفس خود را در جهت حفظ ایران بازپاید. والا هر کاری که امروز انجام می‌دهد مانند تصفیه آب دریا و لوله‌کشی‌های هزار کیلومتری برای انتقال آب اتر می‌ماند زیرا در همین مورد در غیاب دولت، آب قبل از اینکه به مقصد برسد توسط آبدوستان و آبدزدان‌که لوله‌ها را سوراخ می‌کنند، آب‌ها مکیده می‌شود و فقط هوای مرطوب نصیب مقصدنشینان می‌شود. اگر دولت فکر می‌کند اعتمادبه‌نفس برای تصمیم‌گیری دارد، به انتصابات و ازجمله موارد اخیر خود توجه کند و ملاحظه کند که چون به واماندگی گرایش دارد، برایش دوع و دوشاب فرق نمی‌کند. گو اینکه درحال‌حاضر مشکلات آب و گاز و برق، بودجه ترمیمی به دلیل سلیقه دولت و مجلس، انبوه نقدینگی، فساد بانک‌های خصوصی، تعطیلی مبادلات بانکی بین‌المللی، گسترش فساد داخلی، ناکارآمدی مسئولان، جسورشدن و بی‌حاشدان دشمنان وجود دارد، در آن زمان نیز مشکلات صدور نفت، کمبود شدید ارز، اختصاص نیمی از درآمد کشور برای دفاع مقدس، وجود خیل شهدا و جانبازان، ترورهای سیستماتیک مسئولان نظام، ناآرامی‌های برخی نقاط کشور نیز وجود داشت اما به هرحال با نظم و انضباط دولت و حمایت امام (ره) مردم دچار مشکل حاد نشدن زیرا به دور از تمایلات بیوپولیستی (که همواره به زیان مردم است) تصمیمات درست و اجراشدنی اتخاذ می‌شد و البته در همان زمان دولت حتی از سوی برخی هواداران نظام به سوسیالیسم و داشتن دیدگاه چپ‌گرا و دولتی متهم می‌شد. درحالی‌که (به جز آنچه شورای انقلاب حکم کرده بود و دادگاه‌ها رأی می‌دادند) از سوی دولت نه‌تنها کمترین تعرضی به بخش خصوصی نشد بلکه در طول سال‌های ۵۹ تا ۶۳ تعداد ۱۲ هزار موافقت‌اصولی برای تأسیس صنایع بخش خصوصی صادر و برای تسهیل تأسیس واحدهای‌شان در شهرک‌های صنعتی ایجاد شد. این را گفتم که دولت اعتمادبه‌نفس بیابد و البته شرط کافی برای اجرای این اعتمادبه‌نفس، داشتن خط‌مشی مناسب است. چرا دولت از طرح ضرورت حفظ ایران طفره می‌رود و به صورت جدی این ضرورت را مطرح نمی‌کند، هم برای بقیه حکمرانی و هم برای مردم.

پنجشنبه ۱۳ آذر ۱۴۰۴
۱۳ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷
۴ دسامبر ۲۰۲۵
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۲۷۱
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

«شرق» از معنای تازه سفرهای ترکیه و عربستان به تهران گزارش می‌دهد

تهران، محل جست‌وجوی «تعادل جدید»

مالک مصدق: تحولات چند روز اخیر، از سفر هاکان فیدان (وزیر خارجه ترکیه) و سعود بن‌محمد الساطی (معاون وزیر خارجه عربستان) به تهران تا سفر ناگهانی تام باراک (سفیر آمریکا در ترکیه و نماینده ویژه در امور سوریه و مشاور امور خاورمیانه ترامپ) به بغداد، نشان می‌دهد منطقه وارد مرحله‌ای شده است که باید آن را «نقطه چرخش در هندسه قدرت» توصیف کرد؛ مرحله‌ای که به باور روایت‌های «الحدث»، «العربی الجدید»، «الاجبار» و «المیادین»، بیش از آنکه به خطوط سنتی تنش تهران-واشنگتن مربوط باشد، به شکل‌گیری صف‌بندی‌های تازه‌ای در مثلث

مصاف پرسپولیس و استقلال، خارج از تهران با هیاهوی محدود شده

دربی ۱۰۶ با اعداد جادویی

صفحه ۹

یادداشت

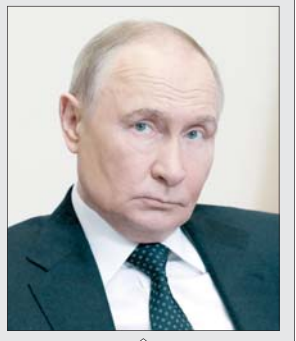
بانک مرکزی از بانک‌های تجاری می‌خواهد که از سرمایه‌گذاری بیرهیزند و از بازار سرمایه خارج شوند و دارایی‌های شکل‌گرفته ناشی از آن را سریعاً بفروشند، در غیراین‌صورت خود اقدام می‌کنند و چه‌بسا زیر قیمت کارشناسی به جراح بگذارند. اما معمای در این زمینه وجود دارد. دولت و بانک مرکزی با به طور کلی حاکمیت، هرازگاهی تأکید می‌کند که بانک‌ها نباید در کشور اقدام به سرمایه‌گذاری کنند و به فرض دارایی‌هایی مثل: کارخانه سیمان، فولاد، سنگ آهن، پتروشیمی و پالایشگاه و… داشته باشند؛ چه در بازار سرمایه اولیه بخواهند آنها را ایجاد کنند و چه در بازار ثانویه سهام خرید کنند و موجب آزداسازی وجوه دیگران در آن بازار شوند تا سرمایه‌های جدیدی از طرف دیگر فعالان بازار سرمایه در جامعه شکل گیرد. چرا مخالف هستست؟ چون اگر بانک‌ها خود وارد سرمایه‌گذاری شوند، اسباب تأمین مالی مردم و شرکت‌های خصوصی نمی‌شوند، یعنی به آنها وام مکفی نمی‌دهند. وجوه سپرده‌گذاران را که از همان افسار هستند، به خودشان تزریق نمی‌کنند! چنانچه خود سرمایه‌گذاری نکنند و به شخصیت‌های حقیقی و حقوقی وام دهند، نیز در شرایط رکودی، با معضلاتی در برگشت وجوه و مدیریت آن و اجرای تعهدات در پرداخت سود مشارکت به سپرده‌گذاران مواجه خواهند شد. داستان بانک‌های تجاری، مثل داستان استقلال بانک مرکزی شده است. اگر کاملاً مستقل باشد، نمی‌تواند سیاست‌های پولی را که خود مسئول آن است، با سیاست‌های مالی که وزارت اقتصاد و دارایی مسئولیت آن را برعهده دارد،

روزنامه شرق

پایان بی‌نتیجه مذاکرات فرستادگان ترامپ با ولادیمیر پوتین برای توقف جنگ

بن‌بست در ماراتن

۵ساعته کرم‌لین



برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از وضعیت جوی، بی‌آبی و کم‌بارشی، هوای آلوده و تأثیر همه اینها بر سلامت روان و امید به آینده مردم

زندگی درزنجیره‌ای از تنش‌ها

۱۰

۱۰۴ مودی مالیاتی، مدرسه‌ای در منطقه خطرکلا قان‌شهر مازندران احداث کردند

مالیات در خدمت آینده‌سازان

۴

گفت‌وگو با رسول لاهیجانیان:

موانع ساختاری سرمایه‌گذاری در تجدیدپذیرها

۸

نگاه

کدام علوم اجتماعی؟

یادداشتی از حمزه نوری

۱۱

انتقال پایتخت و ضرورت جابه‌جایی بزرگ

یادداشتی از حسن رنجبر

۷

رفاقت دستوری برای آخرین بازمانده!

یادداشتی از مهدی ملکی

۹

یادداشت

ثروت‌اندوزی سترون و زیان‌بار



علی شمس‌اردکانی

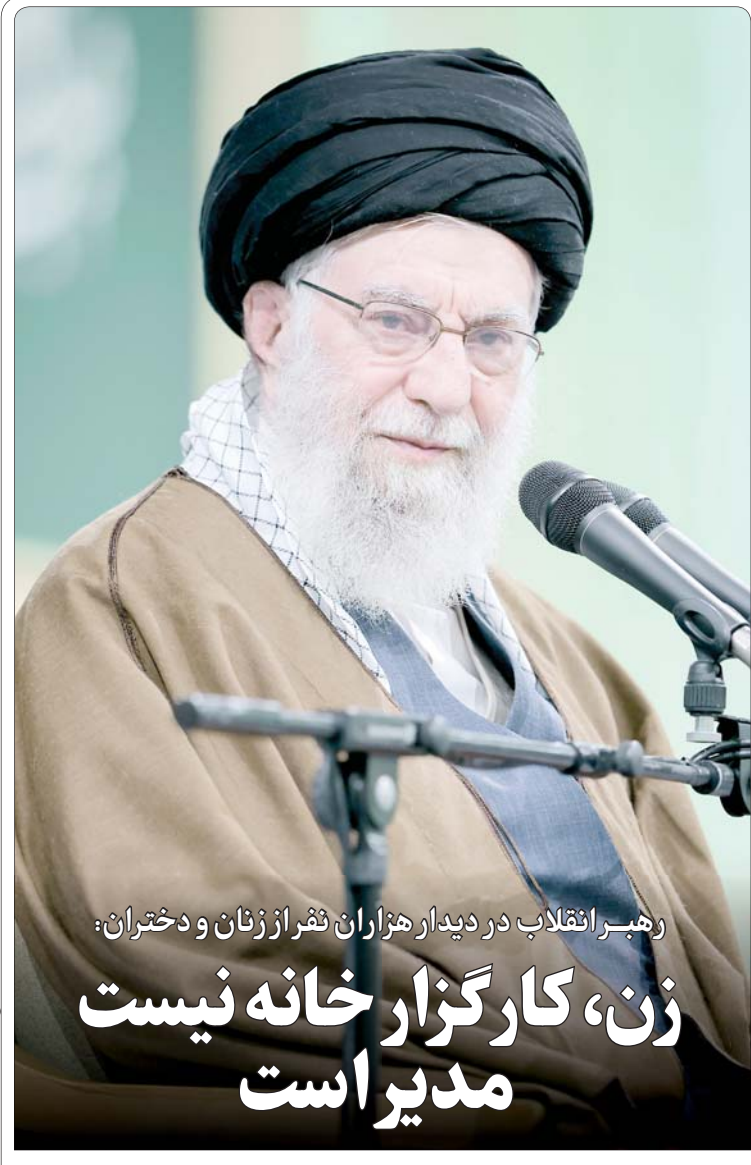
۱. روزانه خبر می‌رسد که برخی از بانک‌ها، به‌ویژه خصوصی‌ها، بدهی‌های چندین هزار میلیارد تومانی آن‌هم کم‌وثیقه، به بانک مرکزی بار آورده‌اند. این بدهی‌ها معمولاً نتیجه اعتبارات بی‌پشتوانه به بانک‌ها و اشخاص متنفذ دادن است و چون لاوصول می‌مانند، بانک مرکزی مجبور است برای حفظ تراز پول ملی معادل آنها را در افزایش پایه پولی منظور کند. این افزایش هم‌با ضربی به تورم قیمت در همه زمینه‌ها می‌انجامد. ولی این تورم سریع‌تر از همه اقدام در نیازهای روزمره خانوارها منعکس می‌شود که ضربه نخست را هم به معیشت خانوارهایی می‌زند که نان‌آوران‌شان با مزد و حقوق ثابت گذران زندگی می‌کنند. چندان که در گزارش اخیر قیمت‌ها بانک مرکزی اعلام کرد در ماه‌های اخیر تورم قیمت‌ها در اقدام خوراکی‌ها به ۶۶ درصد رسیده است.

۲. سال‌هاست که تورم دورقمی زندگی مردم ایران را آماج خود گرفته است. تورم پایدار هم بیشترین تکن‌ها را در زندگی طبقات متوسط و پایین پدید آورده است. چندان که گاهی‌ها به شخصیت انسانی نان‌آوران حتی در داخل خانواده آسیب رسانده است. این پدیده پایدار فقط در بحران نان، گوشت و مسکن این خانواده‌ها نیست، بلکه کاستی‌های زندگی به انسجام ملی نیز ضربه می‌زند. نمودار این بحران در طبقه کارگران هم پدید آمده و بدتر از آن فشاری است که بر بازنشستگان دولتی و بیمه‌های اجتماعی وارد می‌شود.

۳. از آنجا که مزدبگیران چیزی جز ساعاتی از عمر خود را برای فروش ندارند، هنگامی که مزد و حقوق کفایت مخارج دائم‌التزاید آنها را نکند، در فشار جرقه‌های فقر و تورم خرد می‌شوند که در نتیجه ایمان و ارزش‌های معنوی آنها به هم می‌آمیزد. در اینجاست که در میدان زندگی واقعیت کلام پیامبر اعظم صلی‌الله علیه و آله رخ‌نمون می‌شود که فرمود: الفقر کادوبن کفرا.

ادامه‌در

صفحه ۴



این گزارش را در صفحه ۲ بخوانیدعکس: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری

رهبر انقلاب در دیدار هزاران نفر از زنان و دختران:

زن، کارگزار خانه نیست مدیر است



مراد راهداری

دکترای اقتصاد و عضو هیئت علمی دانشگاه

هماهنگ کند (یا هماهنگی با دستگاه‌های مرتبط دیگر، مثل سازمان برنامه). اگر وابسته به دولت باشد، نمی‌تواند سیاست‌های پولی را بدون توجه به تمایلات دولت و فارغ از توابع مطلوبیت دولت تنظیم کند. بنابراین مدیریت نقدینگی از تفکر کارشناسی بانک مرکزی خارج و بر مبنای حوایج دولت اداره خواهد شد که گاه با مصالح ملی هماهنگ نمی‌شود. به‌همین دلیل ریاست آن در ذیل یک گروه از سوی چند نهاد، مرکب از دولتی و غیردولتی، مثل مجلس و قوه قضائیه، تعیین و نظارت می‌شود. اغلب دولت‌ها طبق برنامه‌هایی که زایش اندیشه‌های سیاسی است، از سوی مردم مستقیم یا غیرمستقیم انتخاب می‌شوند. عرف علمی و سیاسی بر این است که ترجیحاً بانک مرکزی فارغ از این نوع جهت‌گیری‌ها و صرفاً به اقتضای کارشناسی رفتار کند. اما در عمل با آن دوگانگی پیش‌گفته مواجه می‌شود.

یادداشت

تهران؛ شهر شکوفایی هنر و فرهنگ



ترانه یلدا

معمار و شهرساز

نمایشگاه‌هایی مانند پیکاسو و همراhan، با نمایشگاه عالی نقاشان زن و جلسات شگفت‌انگیز در سالن اجتماعات رویه‌رو بوده‌ایم که واقعا جای تریبک و تحسین دارد! گویی اگر مدیران این مکان‌های عمومی هنری و نمایشی اندکی انعطاف داشته باشند و گوش به هنرمندان و به این تش بیش بپردازند، همه چیز خودبه‌خود به جلو می‌رود و جور می‌شود. آن‌قدر همه صمیمانه و مشتاق، دوست دارند با هنرشان به زندگی شهر روح و رنگ ببخشند، که دیگر مکانش مهم نیست و این نیروی جادویی از هر گوشه‌ای بر سمری آورد. انگار همه اهالی هنرمندند و در اندیشه که چگونه در هر کاری هنرمندانه رخنه کنند. نمودی دیگر از این حرکت را در نیمه آبان در هفته دیزاین تهران دیدیم که به موضوع طراحی در همه زمینه‌های ملموس زندگی می‌پرداخت. از مبلمان تا لباس تا وسایل مختلف. یا در اجلاسی درباره ساخت‌وساز، که معماران هنرمند و متفکر ایرانی، به جای کوئیند بر طبل برج‌سازی و گسترش شهرها، با رویکردی ظریف و پخته، به جوانان حرفه‌مان فهماندند که دیگر دوره بساز و بفروشی با نمای رومی سپری شده و بهتر است بعد از ده‌ها دل‌سپردن به سودجویی‌های بی‌سرانجام سرمایه‌گذاران بخش ساختمان، اکنون در ساخت‌وسازهایی کم‌حجم‌تر، اولاً به احیا و بازآفرینی هنرمندانه شهرهای موجودمان بپردازیم، و سپس به کیفیات معماری و مرمت در فضاهای قابل تنفس در شهر. و طرفه آنکه در سال‌های اخیر هنرمندان‌مان، هم اعتمادبه‌نفس لازم را برای خلق آثار ایرانی با هویت مدرن پیدا کرده‌اند و هم بیشتر به ریشه‌های‌مان دست و احاطه یافته‌اند. ما امروز بیش از هر زمان به ابزار تاریخی، ادبی و فرهنگی اصیل خود مسلح هستیم و جهان را نیز می‌شناسیم. تهران امروز دیگر مقلد پاریس و لندن نیست. می‌خواهد با عزمی جزم و با تکیه بر تجربیات و اشتباهات گذشته، جای خودش در جهان امروز را پیدا کند و آسوده و پرشور، شکوفا شود. آری، تهران می‌خواهد خودش باشد و شکوفا شود. اما چگونه؟ خیلی ساده است اگر بگوییم به کمک هنر و گفت‌وگو. قدرت و جسارت مسئولان در روبه‌روشدن آرام با مردم، و انعطاف نشان‌دادن به نه خواست جامعه در مسیر دستیابی به یک تعادل و قوام پایا و پویاست که خود را ثابت خواهد کرد، و نه با محدودکردن‌ها...